

نامیر کارا خلیلوویچ \*



# سراج القلوب



کتاب سراج القلوب، یکی از آثار کمتر شناخته‌شده قدیم نثر فارسی است. این کتاب را می‌توان جزو آثار تعلیمی نثر دانست. در مقدمه‌ای کوتاه، به جنبه‌ی تعلیمی این اثر به صراحت اشاره می‌شود: «... تا پندی باشد مر خوانندگانرا؛ اگر ازیشان کسی چیزی پرسد، جواب بتوانند دادن و آفریده‌های ایزد عز و جل را بدانند.»

## مؤلف کتاب

درباره مؤلف کتاب، هیچ اطلاعی در دست نیست. نام وی در نسخه‌های مختلف کتاب، به شکل‌های گوناگون آمده است. تاسندی قطعی در باب نام مؤلف به دست نیاید. صلاح در آن دیده‌ایم که مؤلف را چنانکه در نسخه‌ی اساس متن مصحح آمده است، بنامیم و نام وی را «ابومنصور سعید بن محمد قطان غزنوی» بدانیم.

عصر زندگانی مؤلف نیز مشخص نیست. تنها بر اساس ویژگی‌های سبکی متن (که در این باره در مقدمه بتفصیل سخن به میان آمده است) و تأثر احتمالی مؤلف از برخی آثار، می‌توان با احتیاط احتمال داد که عصر زندگانی وی نباید پیش از اواخر قرن پنجم یا اوایل قرن ششم بوده باشد.

## ساختار کتاب

کتاب سراج القلوب، در نسخه‌ی اساس، عبارت است از چهل و سه فصل مستقل که ترتیب و عناوین آنها به شرح زیر است:

۱. صفت آفرینش این جهان

\* دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

۲. صفت نخستین چیز که بیافرید
۳. صفت آسمانها
۴. صفت نام زمینها
۵. صفت آفرینش بهشت
۶. صفت آفرینش دوزخ
۷. صفت مرغان آسمان
۸. صفت درخت طوبی
۹. صفت ترازوی قیامت
۱۰. صفت صراط و بگذشتن بر وی
۱۱. صفت عرش و کرسی
۱۲. صفت حاملان عرش
۱۳. صفت عدد پیغمبران
۱۴. صفت ملک الموت
۱۵. صفت منکر و نکیر
۱۶. صفت بیت المعمور
۱۷. صفت کوه قاف
۱۸. صفت جرایب شهرها
۱۹. صفت صور اسرافیل
۲۰. صفت قفل آسمانها
۲۱. صفت گور روان
۲۲. صفت آن پنج تن که ایشانرا مادر و پدر نبود
۲۳. صفت غرق شدن فرعون
۲۴. صفت پند دهنده سلیمان
۲۵. صفت بانگ کردن مرغان
۲۶. صفت بنای نخستین



۲۷. صفت بلندترین چیزها

۲۸. صفت مایده عیسی

۲۹. صفت اصل دریا

۳۰. صفت جرجیس

۳۱. صفت پدر چهل ساله و پسر صدوبیست ساله

۳۲. صفت اخلاق پیغمبران

۳۳. صفت پیغامبران زنده

۳۴. صفت سخن کودک در شکم

۳۵. صفت بردن پیغمبران به آسمان

۳۶. صفت عصا زدن موسی

۳۷. صفت زنده شدن پیغمبران

۳۸. صفت اصحاب الرّس

۳۹. صفت اصحاب اخذود

۴۰. صفت دعوی کردن شداد بخدای

۴۱. صفت صحیفه‌های داود

۴۲. صفت گور سلیمان پیغمبر

۴۳. صفت بلوقیا رحمة الله

در آغاز هر فصل، یک سؤال مطرح می‌شود. سپس جوابی اجمالی و مختصر، معمولاً در حد یک یا دو جمله، می‌آید و پس از آن به جواب مفصل پرداخته می‌شود. به این ترتیب، متن هر فصل، در واقع، حکم یک جواب طولانی به سؤال مطرح شده‌ی آغازی را دارد.

### مطالب کتاب و گروه بندی فصلها

چنانکه از عناوین فصلها برمی‌آید، می‌توان آنها را به سه بخش عمده تقسیم کرد:

#### ۱. فصلهای مربوط به عقاید دینی

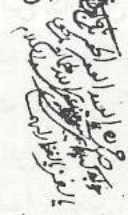
در این بخش، بیست و چهار فصل جای گرفته است. در میان بعضی از آنها، می‌توان تشابه موضوعی بیشتری یافت: تعدادی از فصلها به مسائل مربوط به آفرینش (مانند آغاز آفرینش، مدت آفرینش، نخستین چیزی که آفریده شد، آفرینش آسمانها و زمینها...) اختصاص دارند؛ در برخی از فصلها، به وصف عده‌ای از مظاهر اخرون (مانند بهشت، دوزخ، مرغان بهشت، جوی کوثر و درخت طوبی، عرش و کرسی، حاملان عرش...) پرداخته شده است؛ در بعضی فصلها، وصف آنچه در انتظار انسان پس از مرگ وی می‌باشد (مانند پرسیدن منکر و نکیر از مرده، بردن روح انسانها به آسمان و بازگرداندن آن به کالبد جسمانی‌اش، سه مرحله دمیدن اسرافیل در صور، برکشیدن کردارهای انسانها در ترازوی قیامت، عبور از صراط...) آمده است. تشابه نسبی موضوعی بین «صفت دعوی کردن شداد بخدای» و «صفت بلندترین چیزها» به چشم می‌خورد؛ در این دو فصل، ذکر دو حاکم کافر آمده است که با خداوند ادعای برابری کردند و سرانجام دچار شکستی مهلک شدند.

دیگر فصلهای مربوط به عقاید دینی، از لحاظ موضوع و مطالب ایراد شده، با فصلهای دیگر همسانی چندانی ندارند. در میان آنها، می‌توان به فصل «صفت اصل دریا» و روایت جالبی درباره‌ی عاقبت آب همه‌ی دریاها در آخر زمان که در این فصل آمده است، اشاره کرد.

#### ۲. فصلهای مربوط به پیغمبران

در این بخش، هیجده فصل آمده است. در بعضی از آنها (مثل بخشهای فصل «صفت آن پنج تن که ایشانرا مادر و پدر نبود» که به صالح پیغمبر(ع) و رویارویی موسی(ع) با ساحران اختصاص دارند، فصل «صفت مایده عیسی» و «صفت جرجیس»)، به بازگویی گزاردن رسالت بعضی از پیغمبران در میان قومهای ایشان پرداخته شده است. جریان این گونه

بلوقیا ساد شد و ایشانرا دعا کرد و حضرت گفت تو ایچا حکومته (آفادی بلوقیا مقصه  
شیش بگفت حضرت گفت ششند علیه السلام بافر زمان برون آید بلوقیا گفت  
تاخوابتم از امت وی باشم حضرت است وی بوقت با شد روز دیگر  
چون مسج بد میدرخد بلوقیا را گفت چشم فراز کن بلوقیا چشم استوار بگردید  
بلوقیا را گفت برگزرت و زمان اندر مهر برده الله بلوقیا را بر زمین نهاد و  
گفت چشم باز کن بلوقیا چشم باز کرد و خشتین را بمهر لطافت و نبرد یک مادری  
خوش رفت و مادرش بر بام بود بلوقیا داد بد زیاد و فروش برداشت  
و از بام فرودوید و بگنار گرفت و دیبای مادر در افتاد و مردمان ممر را  
خبر شد بیامند بلوقیا را بدیدند و خبرها پرسیدند بلوقیا آنچه دیده بود  
را ایشانرا گفت مردمان عجب ما نند مادری بلوقیا گفت مرغی



دیدم از آسمان فرو آمد و بلوقیا را  
بر زمین نهاد و باز در سواری رفت  
و اندر علم با هموار و البر المصح و کلا  
مام که کس سراج الله الله المصلح الوصاح  
فاندر عرض سوال بباد کنی ایچا عرس عرس

طووز جز  
م



فصلها کم و بیش یکسان است: حضور پیغمبری در میان قومی کافر و بت پرست (که معمولاً حاکم آن قوم، بدسیرت و ستمکار است)، دعوت به یکتاپرستی از سوی پیغمبر و نهی از راه شرک، تقاضای ارائه معجزه از طرف کافران، ارائه معجزه (یا معجزات) پیغمبری، پایداری کافران بر شرک و احیاناً عذاب دادن پیغمبران، و سرانجام مجازاتی که قوم کافر گرفتار آن می شود. در فصلهای «صفت اصحاب الرّس» و «صفت اصحاب اخدود»، جریان ذکر شده تقریباً رعایت شده است، ضمن اینکه به جای پیغمبران، نقش اصلی را کسانی ایفا می کنند که می توان آنها را «اولیای خدا» نامید.

در چند فصل مربوط به پیغمبران، مطالبی درباره حالات، آزمایشها و گاه مجازاتهایی پرداخته می شود که بعضی از پیغمبران با آنها رو به رو می شدند. فصلهای «صفت گور روان» درباره سرگذشت یونس (ع)، بخش «صفت آن پنج تن که ایشانرا مادر و پدر نبود»، مختص به حادثه قربان کردن اسماعیل (ع) توسط پدرش ابراهیم (ع)، «صفت پدر چهل ساله و پسر صدویست ساله» درباره عزیز (ع)، «صفت صحیفه های داود» و «صفت غرق شدن فرعون»، از این قبیل فصلها به شمار می آیند.

در فصلهایی مانند «صفت پند دهنده سلیمان»، «صفت

عصا زدن موسی» و «صفت سخن کودک در شکم»، مطالبی درباره ویژگی های منحصر به فرد بعضی پیغمبران یا ابزار خاصی که بعضی از آنها در اختیار داشتند، آمده است. در چند فصل این بخش، مطالبی درباره ویژگیهای مشترک بعضی از پیغمبران آمده است. فصلهای «صفت پیغمبران زنده»، «صفت بردن پیغمبران به آسمان» و «صفت زنده شدن پیغمبران»، از این گونه فصلها به شمار می آیند.

در میان فصلهای مربوط به پیغمبران که با دیگر فصلهای این بخش تشابه موضوعی ندارند، می توان به فصل «صفت اخلاق پیغمبران» اشاره کرد. در این فصل، روایت کمیابی درباره ذوالکفل (ع) آمده است. بنابر این روایت، ذوالکفل زاهدی بود از قوم بنی اسرائیل. وی به گناهکاران توبه کرده ضمانت می کرد که توبه آنان در درگاه الهی پذیرفته خواهد شد.

### ۳. «صفت بلوقیا رحمة الله»

فصل «صفت بلوقیا رحمة الله»، با فصلهای دو بخش پیشین هیچ پیوند موضوعی ندارد. در این فصل، سرگذشت افسانه وار جوان یهودی بلوقیا نام آمده است. پدر بلوقیا، رهبر دینی بنی اسرائیل در یکی از شهرهای مصر بود. پس از وفاتش، بلوقیا بر جای وی نشست. از قضا، روزی بلوقیا می فهمد که پدرش همه مطالب مربوط به وصف و ستایش پیغمبر اسلام (ص) را از تورات حذف کرده تا مردم آگاه نشوند و به محمد (ص) نگروند. بلوقیا سخت دل سرد می شود و تصمیم می گیرد که به دنبال پیغمبر اسلام (ص) برود تا بلکه جزو امت وی شود... مطالب عجیبی مانند دیدار بلوقیا و همراهش عقیان با درختان و گیاهانی که حرف می زنند، رویارویی با جانوران مختلف و دیوان نگهبان گور سلیمان (ع)، وصف موجودات غریبی که وظایف خاصی دارند، عبور از هفت دریا، دیدار بلوقیا با فرشتگان و حضرت خضر (ع)، روایت جالب دیدار و صحبت بلوقیا با ابلیس... در این فصل بتفصیل آمده است.

این داستان عجیب را که ظاهراً جزو روایات اسرائیلی است، به عبدالله بن سلام نسبت داده اند و قدیم ترین مأخذ یافت شده آن، کتاب قصص الانبیاء ثعلبی نیشابوری است<sup>۲</sup> (در این باره و منابع احتمالی دیگر فصلهای کتاب، در مقدمه بتفصیل سخن گفته شده است).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 سیاست و ستایش مرخطی را جل طلبه که آثار قدرت او بجهت روزی و تابانت و انوار حکمت او در دل شب تار در نشان بخش دیده که تا یکتا صد عصمت در ستان کرد چیا کی که نشسته را لب تهر و دشمنان کرده اند و در درختند مصطفی علیه السلام که سید رسولان و خاتم پیغمبران است علیه السلام بدانک این کتابت که تصنیف کرده خواجه امام ابو منصور سعید بن محمد القفطان القزوی رحمة الله علیه و اندر وی بجایهای پیشینان و قصص ایشان و صفت آفرینش حدیث مرغان آسمان بنعم صفت درخت طوق صفت ترازوی قیامت صفت عرش و کرسی صفت آفرینان جهان صفت پیغامبران صفت ملک الموت صفت منکر بکر صفت بیت المعمور صفت کوه قاب صفت نعل اسما صفت صومعه روان صفت کلید اسما صفت بی مادر بی پدران صفت دعوی فرعون خدای صفت عرق شدن فرعون صفت پند دادن مورچه صفت بانک کردن مرغان صفت طین صفت بلندترین چیزها صفت مایه عیسی صفت جرجیس پیغامبر صفت عیسی موسی خوانندگان اگر از ایشان کسی چیزی پرسد جواب نتوانند دادن و آن در جاهای ایزد عشره و جل را بیاوند و این سله است که محمد در آن از تورات



۵. نسخه کتابخانه غازی خسرو بگ (سارایوو). شماره  
(۲) ۲۱۱۳، ۴۵ برگ، تاریخ کتابت مشخص نیست (احتمالا در  
قرن ۱۷ میلادی).

گفت که درترین چیزی در جهان چیست گفت این دنیا است  
که هر چند در دنیا باشی عاقبت از دنیا دور افتی مسئله ششم  
گفت بلندترین چیزی در دنیا چیست گفت عمل سلطان مسد  
بنفیع گفت تو آنرا از دنیا چیست گفت تداوم مردم مسئله ششم  
گفت که از شک سخت تر در جهان چیست گفت دل منان مسئله  
نهم گفت که از آتش سوزان تر در دنیا چیست گفت حرص مسئله  
مسد ادم گفت در جهان مرد پیشتر است یا زن گفت مرد  
گفت چرا گفت از ظهور کینه مرد و خود مرد است و زن در دنیا  
خود مرد مسئله یازدهم گفت در دنیا ابا دانی بیشتر است  
یا خرابی گفت خرابی گفت چرا گفت از ظهور کینه خراب است  
خراب است و کینه زیاد است خراب خود بیشتر مسئله دوازدهم  
گفت در جهان مرد بیشتر است یا زن گفت زن گفت چرا گفت  
از ظهور کینه زن خود زشت و آن مرد که بفرمان زشت او نمی زشت  
و چون سیما ن علیهم السلام اپرا مسئله مارا جواب بر داد و گفته

بی نوشتها:

۱. در مقدمه کتاب آمده است که سؤالات آغازی فصلها، از سؤالاتی است که یهودان به پیغمبر(ص) و حضرت علی(ع) مطرح کرده بودند.
۲. ر. ک: ثعلبی، احمد بن محمد: قصص الانبیاء المسمی بالعراش، مكتبة الکلیات الأزهرية (بی تا)، ص ۱۹۵.
۳. ر. ک: ترجمه تفسیر طبری، به تصحیح و اهتمام حبیب یغمایی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ - ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۱۲۵۹؛ مجمل التواریخ و القصص، به تصحیح ملک الشعرا یبهار، تهران، کلاله خاور، ۱۳۴۱، ص ۴۳۵.

## ارزشهای کتاب

۱. صرف نظر از آنچه در کتب تفسیر آمده است، کتاب سراج القلوب یکی از قدیم ترین آثار فارسی در زمینه داستانهای پیغمبران به نظر می آید.
۲. ساختار کتاب و روش منظم کاربرد سؤال و جواب در آغاز هر فصل، جالب توجه است.
۳. هر چند که بعضی از مطالب این کتاب، با دست آوردهای علم امروز و حتی علم روزگار تألیف آن، سازگاری ندارد، این مطالب نشان دهنده باورها، سطح شناخت و طرز تفکر عموم مردم آن زمان است.
۴. گذشته از بعضی روایات کم یاب و نایابی که در کتاب سراج القلوب آمده است، باید به این موضوع اشاره کرد که فصل پایانی کتاب، «صفت بلوقیا رحمة الله»، غیر از اشاراتی مختصر، در هیچ کدام از آثار ادب فارسی به حجم و گستردگی آن در کتاب حاضر نیامده است.
۵. نثر این کتاب بسیار ساده و روان، و در عین حال محکم است؛ از این رو می توان آن را یکی از ارزشهای کتاب دانست.

## نسخه های کتاب

- از کتاب سراج القلوب نسخه های زیادی به جای مانده است. قدیم ترین نسخه ها در خارج از ایران نگهداری می شوند و در تصحیح متن به کار رفته اند:
۱. نسخه موزه بریتانیا (لندن)، شماره Or1231، ۶۷ برگ، تاریخ کتابت ۶۲۵ هـ.
  ۲. نسخه کتابخانه دارالکتب (قاهره)، شماره ۱۳۲۶، ۹۹ برگ، تاریخ کتابت ۹۶۸ هـ.
  ۳. نسخه کتابخانه عمومی بایزید (استانبول)، شماره 3703، ۱۰۶ برگ، تاریخ کتابت ۹۸۵ هـ.
  ۴. نسخه کتابخانه ملی (پاریس)، شماره 41 (فیلم شماره ۷۴۱ دانشگاه تهران)، ۹۸ برگ، تاریخ کتابت ۱۰۴۳ هـ.

Miras Maktoob@apadana.com

www.magiran.com/Ayene-ye-Miras